

عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) و روایات مهدویت

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

- در این نوشتار کوتاه روایاتی از حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) نقل شده است که در آن به مهدویت و مسائل مربوط به آن اشاره شده است. کوتاه نوشت حاضر در سه بخش می باشد:
- 1 - شخصیت و زیست نامه حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام).
 - 2 - روایات رسیده از وی در باره امام زمان (علیه السلام) به همراه ترجمه فارس آنها.
 - 3 - یک نتیجه گیری کوتاه بر اساس روایات نقل شده.

زندگانی عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)

عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام)، صاحب کتاب «خطب امیرالمؤمنین» و «الیوم و اللیلة» مشهور به حضرت عبدالعظیم و شاه عبدالعظیم، از سادات حسنی و از بزرگان این خاندان، و مورد احترام امامان عصر خود و از راویان موثق است.

به موجب روایتی که امام هادی (علیه السلام) در باب فضیلت زیارت او آمده، روشن می شود که پیش از شهادت این امام بزرگوار (254 ه.ق) درگذشته است و می توان گفت در آغاز دهه ششم از سده سوم هجری و در خلافت «المعتز» زندگانی را بدرود گفته است.

مؤلف کتاب «جنة النعیم» با آنکه نام زوجه آن جناب را هم نوشته (1) متعرض تاریخ ولادت، سن و سال دقیق رحلت او نشده و تنها نویسد:

«پس باید وفات حضرت عبدالعظیم، اوایل 250 هجری، چند سال قبل از شهادت حضرت امام علی النقی (علیه

(السلام) باشد.» (2)

از امامان بزرگوار، با امام جواد، امام هادی و امام عسکری (علیهم السلام) معاصر بوده است. اما آیا محضر حضرت امام علی بن موسی (علیه السلام) را هم درک کرده و حدیثی شنیده است؟ مؤلف الذریعه در این باره می نویسد:

«عصر امام رضا و امام جواد (علیهم السلام) را درک نمود و ایمان خود را بر امام هادی (علیه السلام) عرضه کرد. و از برخی کتاب ها نقل است که وفات او در نیمه شوال سال 252 هجری است.» (3)

ابن بابویه در «من لا یحضره الفقیه» در باب روزه یوم الشک، روایتی از او از امام رضا (علیه السلام) آورده و ذیل آن نوشته است: «مصنف کتاب گوید حدیثی است غریب و آن را جز از طریق عبدالعظیم حسنی نمی شناسم.» (4)

همچنین در تعلیقه شهید ثانی بر «خلاصه» آمده است که حضرت رضا (علیه السلام) بر زیارت او توصیه فرموده است. (5) لیکن عالم رجالی معاصر جناب آقای شوشتری نویسد:

«ظاهر این است که روایت حضرت رضا (علیه السلام) در وجوب بهشت برای زیارت فاطمه دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) است، نه برای عبدالعظیم.» (6)

استاد بزرگوار آیه الله خویی (ره)، آنچه را که در کتاب «اختصاص» آمده است که امام هشتم به عبدالعظیم فرمود: «سلام مرا به اولیای من برسان»، به خاطر ارسال حدیث نامعتمد دانسته و نوشته اند: «متحصل از کلمات اصحاب ما این است که عبدالعظیم، امام رضا (علیه السلام) را ندیده است، تا چه رسد که در حیات آن امام در گذشته باشد.» (7)

پس ظاهراً بلکه مطمئناً وی محضر امام هشتم را درک نکرده و مستقیماً از او روایتی شنیده است.

مقام او نزد ائمه اطهار

آنچه جلالت قدر این بزرگوار و امامزاده عالی مقدار را هر چه بیشتر آشکار می سازد، و عظمت مقام او را نشان می دهد، فرموده امام عصر اوست درباره اش و همین سخنان است که دانشمندان علم رجال را به تکریم او واداشته است.

سخن امام هادی (علیه السلام) درباره وی

ابوتراب رویانی از ابوحامد رازی می آورد که بر علی بن محمد (علیه السلام) در «سر من رای» درآدم. و او را از مسائل حلال و حرام پرسیدم و مرا پاسخ گفت. چون او را وداع گفتم فرمود:

«حماد! اگر برای تو مشکلی در دین پیش آید، از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی بپرس و سلام مرا به او برسان.»

همچنین این امام بزرگوار درباره او دعا کرده و دین او را درست خواند. صدوق به اسناد خود از وی نویسد:
 بر امام خویش علی بن محمد بن علی موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب
 (علیه السلام) درآمد. چون مرا دید فرمود: «مرحبا بر تو ای ابوالقاسم! تو به حق دوست مایی». گفتم: «پسر رسول
 خدا! می خواهم دین خود را بر تو عرضه کنم تا اگر پسندیده است بر آن ثابت بمانم تا خدا را دیدار کنم». فرمود:
 «بگو!» و چون عقیدت خویش عرضه کردم امام فرمود: «ابوالقاسم، به خدا ای دین خداست که آن را برای
 بندگان پسندیده است بر آن پایدار باش خدایت در دنیا و آخرت بر آن پایدار بدارد». (9)

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده چهار هجری (10)

- 1) صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه (م 381 ه.ق) کتابی درباره این بزرگوار به نام «اخبار
 عبدالعظیم» (11) دارد که در آن خبرهای روایت شده از او را آورده است. وی درباره عبدالعظیم نوشته است: عباد،
 پارسا و مرضی بود. (12)
- 2) صاحب، اسماعیل بن عباد، ادیب و دانشمند معروف (متوفای 385 ه.ق)، وزیر مؤید الدوله و فخر الدوله
 دیلمی، مشهور به صاحب به عباد، به تقاضای شخصی، رساله ای در نسب این بزرگوار نوشته و در ضمن آن چنین
 آورده است:
 پارسا و دین دار و عابدو شناخته به امانت و صدق لهجت بود، و عالم به امور دین، و قائل به توحید و عدل، و
 روایت بسیار از او نقل. از ابوجعفر بن علی بن موسی (علیه السلام) و پدرش ابوالحسن صاحب عسکر (علیه
 السلام) روایت کند و آن دو امام را برای او نامه هاست. (13)

سده ی پنجم هجری

- 1) علم الهدی و التقی سید مرتضی (م 436 ه.ق) وی را با صفتهای «سید پارسا، عالم زاهد، بلند مرتبت، بزرگ
 منزلت» ستوده و نویسد:
 از امامان، امام جواد، امام هادی و امام عسکری (علیه السلام) را درک کرد و شیعه از حدیثها و روایتهای او تاکنون
 بهره برده است. (14)
- 2) دانشمند رجالی مشهور ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس معروف به نجاشی (م 450 ه.ق) در کتاب
 رجال خود داستان آمدن این سید بزرگوار را به ری و مخفی زیستن و به عبادت پرداختن او را آورده (چون این
 داستان در بیشتر کتابها و از جمله کتابهای زیارت آمده، از نوشتن آن صرف نظر می کنیم). سپس سلسله روایت
 خود را از وی از طریق احمد بن علی تا به ابوتراب رویانی می آورد و می نویسد: عبدالعظیم بن عبدالله، همه روایت

های خود را برای ما حدیث کرد. (15)

(3) شیخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسی (م 460 ه.ق) نویسد: عابد، پارسا و مرضی بود. (16)

(4) سید عالم نسب دان ابو اسماعیل ابراهیم بن عبدالله بن حسین بن علی شاعر، صاحب کتاب «منتقلة الطالبية»، (17) در زمره طالبیانی که به ری آمده اند درباره عبدالعظیم نویسد:

ابوالقاسم، عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید، محدث و زاهد بود. او را مشهدی است در شجره ری و قبر او زیارت کنند. مادر او ام ولد است.

سده ی هفتم

در کتاب «الشجرة المباركة فی الانساب الطالبية» که آن را از امام فخر رازی (18) دانسته اند آمده است:

عبدالعظیم در وی کشته شد و مزار او بدان جا معروف و مشهور است. (19)

آنچه در باب کشته شدن حضرت عبدالعظیم در این کتاب (منسوب به امام فخر) آمده، در کتابهای دیگر نیست. تنها مؤلف «جنة النعیم» نویسد:

بناء علی هذا استبعادی نمی رود که حضرت عبدالعظیم به امر سلطان جائر و خلیفه معاصر مقتول شده باشد و

این بعد از اجتماع شیعیان و محبین و نشر احوال و فضایل و مآثر شریفش بوده است. (20)

ولی آیا کتاب «الشجرة المباركة» از فخر رازی است؟ چنانکه مصحح محترم در مقدمه کتاب نوشته اند، هیچ کسی از تذکره نویسان، چنین کتاب را در شمار تالیفات فخر رازی نیاورده است.

سده ی هشتم

(1) تقی الدین، حسن بن علی بن داوود حلی؛ {مرحوم سید جلال الدین محدث نویسد: وی ظاهراً متوفی در نیمه اول سده هشتم هجری است چه کتاب خود را در هفتصد و هفت به پایان رسانیده است}.

تقی الدین درباره او نویسد:

«ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب عابدی پارسا و پسندیده بود.» (21)

(2) حسن بن یوسف بن علی بن مطهر معروف به علامه حلی (م 726 ه. ق) در کتاب «خلاصه» در باره او گوید: عالم، عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که دلالت بر حسن حال او کند و ما آن حکایت را در کتاب کبیر آورده ایم.

مؤلف «روضات» نویسد:

«شاید مقصود از حکایت، داستان عرض دین است بر امام عصر خویش.» (22)

سده ی نهم

1) مؤلف کتاب «عمدة الطالب»، سید احمد بن علی داوودی حسنی (م 828 ه.ق) نویسد:
از عبدالله بن علی شدید. عبدالعظیم متولد شد. سیدی زاهد که در مسجد شجره ری مدفون است و قبر او را زیارت کنند و فرزند او محمد است و محمد را اولادی نبود. (23)
و هم این مؤلف در کتاب دیگر نویسد:
ونسـل علی الشدید بن الحسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) از عبدالله بن علی است و نسل عبدالله از احمد بن عبدالله و عبدالعظیم و حسن... و عبدالعظیم زاهدی بزرگ بود و پسر او محمد نیز. (24)

سده یازدهم

1) محمد باقر بن محمد استرآبادی مشهور به میرداماد (م 1041)؛ وی در «الرواشح السماویة» گفته است:
از سخنان ذایع شایع این است که طریق روایت از جهت ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله حسنی، مدفون به مشهد شجره ری - رضی الله تعالی عنه و ارضاه - حسن است، چه او ممدوح است و نصی بر توثیق او نیست. لیکن در نظر من ناقد بصیر و متبصر خبیر این نظر را مستهجن و قبیح می شمارد و اگر دباره او جز حدیث عرض دین و حقیقت معرفت او و فرموده امام هادی ابوالحسن ثالث (علیه السلام) که «تو به حق دوست مایی» و نسب شریف وی که از سلاله نبوت است نبود، او را کفایت می کرد. (25)
مرحوم نوری نویسد:
محقق داماد در «رواشح» در شرح حال و در فضل زیارت او روایتهای متضافره آورده؛ از جمله اینکه کسی که او را زیارت کند هشت برای او واجب است. (26)

سده ی دوازدهم

1) شیخ محمد بن حسن حر عاملی (م 1104) مؤلف کتاب «وسائل الشیعه» نویسد:
ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام)، عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که دلالت بر حسن حال او کند. این بابویه گفته است او مرضی بود. علامه و نجاشی نیز چنان گفته اند. صدوق در «ثواب الاعمال» آورده است که زیارت او چون زیارت حسین (علیه السلام)

است. (27)

(2) علامه مجلسی (م 1110 ه. ق) ذیل عنوان «فضل زیارت عبدالعظیم» روایت منقول از امام هادی (علیه السلام) را که زیارت عبدالعظیم برابر زیارت حسین (علیه السلام) است از «ثواب الاعمال» صدوق و «کامل الزیارات» و نیز داستان در آمدن او را به ری تا به خاک سپرده شدنش در باغ عبدالجبار نقل کرده است. (3) محمد بن علی اردبیلی (تاریخ ولادت و وفات او به تحقیق معلوم نیست و چون اجازه مجلسی برای او در سال 1098 صادر شده پس می توان او را از عالمای سده ی یازدهم و متوفای سده ی دوازدهم به شمار آورد). اردبیلی در باره ی عبدالعظیم نویسد:

عبدالعظیم بن عبدالله حسن علوی... عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که بر نیکویی او دلالت کند (سپس همان روایتی را که مردی از اهل ری نقل کند آورده است). (28)

سده ی سیزدهم

(1) محمد بن اسماعیل حائری (م 1215 ه. ق) در کتاب «منتهی المقال فی علم الرجال» در باره ی او نویسد: او راست کتاب «خطب امیرالمؤمنین (علیه السلام). وی مردی عابد و پارسا بود.»

سده ی چهاردهم

(1) حاج میرزا ابوالقاسم نراقی مؤلف کتاب «شعب امقال فی احوال الرجال» نویسد: ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید حسن بن علی بن ابی طالب ثقه ای جلیل القدر بود. گریزان از سلطان به ری درآمد و در آنجا بمرد و به خاک سپرده شد. امام هادی (علیه السلام) به بعضی از اصحاب خود فرمود: اگر قبر عبدالعظیم را زیارت می کردی چون کسی بودی که حسین بن علی (علیه السلام) را زیارت کرده است. (29)

عبدالعظیم حسنی و روایات مهدویت

آنچه فرا روی شماست، مجموعه ایست کوچک از هشت روایتی که از عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است. ای روایت ها که واجد سندهای پذیرفته ای هم هستند در موضوعاتی بسان ویژگی های امام عصر (ارواحنافداه)؛ غیبت و آثار آن؛ انتظار و فضیلت آن؛ عصر ظهور و

رخدادهای آن و نیز برتری منتظران بر غیرمنتظران آمده است کوشیده ایم این اخبار را از مصادر و منابع اولیه نقل کنیم.

گفتنی است که از جمله روایت که در این مجموعه آمده است روایت مشهور به عرض دین است. این روایت بلندترین روایت رسیده از حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) است که تاکنون شرح هایی هم بر آن نگاشته شده است. علت اینکه این روایت در این مجموعه نشسته است، بحث مهدویتی است که در پایان آن مطرح شده است.

قیام قائم (علیه السلام)

«عن عبدالعظیم الحسنی (رضی عنه الله) قال: قلت لمحمد بن علی بن موسی (علیهم السلام): يَا مَوْلَايَ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.»

فَقَالَ (عليه السلام): «مَا مِنَّا إِلَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ هَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهَ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا هُوَ الَّذِي يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادُئِهِ وَ يَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَ يَحْرُمُ عَلَيْهِمْ تَسْمِيَّتُهُ وَ هُوَ سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَ كُنْيَتُهُ وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ يُذَلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةُ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِي الْأَرْضِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ: «أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (30) فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ- فَإِذَا كَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ فَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى عَزَّ وَ جَلَّ.»

قال عبدالعظیم: «قُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ رَضِيَ؟»

قال: «يُلْقَى فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةُ فَإِذَا دَخَلَ الْمَدِينَةَ أَخْرَجَ اللَّاتَّ وَ الْعَزَّى فَأَحْرَقَهُمَا» (31).

عبدالعظیم حسنی گفت: به حضرت جواد عرض کردم: من امیدوارم که آن «قائم» که زمین را پر از عدل و داد کند پس از آنکه از جور و ستم پر شده باشد از خاندان حضرت رسول الله، شما باشی.

حضرت فرمود: ای ابوالقاسم! ما اهل بیت همه قائم به امر خداوندیم و راهنمای دین او هستیم، لیکن آن قائم که خداوند بوسیله او جهان را از کفر و آلودگی و ظلم و جنایت پاک خواهد کرد، و جهان را پر از عدل و داد می نماید، کسی است که ولادت او از انظار مخفی می ماند و شخص او از مدم پنهان می شود، و بردن نام او بر مردم حرام می گردد، آن حضرت با پیغمبر هم نام هم کنیه است، وی آن شخصی است که زمین از برای او در هم پیچیده می گردد و هر دشواری برایش آسان می شود، یاران وی که به اندازه ی اصحاب بدر هستند در هر کجای دنیا باشند پیرامونش جمع می شوند، و تفسیر آیه ی شریفه ی «أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» در هر جایی که باشید خداوند همه شما را جمع می کند و پروردگار به همه چیز توانا است ناظر به این خداوند همه شما را جمع می کند و پروردگار به همه چیز توانا است ناظر به این معنی است، هر گاه این عده که از اهل اخلاص اند اجتماعی کنند، خداوند امر او را اظهار خواهد نمود، وقتی که لشکریان آن حضرت که ده هزار نفرند بهم بپیوندند در این هنگام به فرمان و اذن پروردگار ظهور خواهد نمود، و دشمنان خداوند را خواهد کشت تا از وی راضی گردد.

عبدالعظمی حسنی گوید: عرض کردم: آن بزرگوار از کجا می داند که خدا از وی راضی شده است؟ فرمود: در دل وی رحمت و عاطفه ای پیدا می شود که حاکی از رضایت خداوند است و هرگاه داخل مدینه شود، لات و عزی را از قبر بیرون می کند و می سوزاند.

سنگ باران کردن شیطان در زمان ظهور

2. حدثنا محمد بن احمد الشیبانی (رضی عنه الله) قال: «حدثنا محمد بن ابی عبدالله الکوفی قال: حدثنا سهل بن زیاد، عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی قال: سمعت اباالحسن علی بن محمد العسکری (علیهم السلام) يقول: معنی الرجیم انه مرجوم باللعن، مطرود من مواضع الخیر، لا یذکره مؤمن الا لعنه، و ان فی علم الله السابق انه اذا خرج القائم (علیه السلام) لایبقی مؤمن فی زمانه الا رجمه بالحجارة کما کان قبل ذلک مرجوما باللعن» (32).

از عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) رسیده است که گفت از حضرت هادی (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: مقصود از «رجیم» از رحمت و آمرزش دور شدن و از درگاه خداوند رانده گردیدن، و از منبع فیض طرد شدن است، هیچ مؤمنی او را بیاد نمی آورد مگر بالعن و نفرت، و از علم خداوند گذشته که هرگاه ولی عصر ظهور نماید همه ی مؤمنین زمان آن حضرت، شیطان را سنگ باران خواهند کرد، همان طور که پیش از او بالعن و نفرین رانده شده بود.

نامه ی نبوی - علوی

3. محمد بن علی بن الحسین قال: حدثنا ابوالعباس محمد بن ابراهیم بن ابراهیم بن اسحاق الطالقانی (رضی عنه الله) قال: حدثنا الحسن بن اسماعیل قال: حدثنا سعید بن محمد بن القطان قال: حدثنا عبیدالله بن موسی الرویانی عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی، عن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب قال: حدثنی عبدالله بن محمد بن جعفر، عن ابيه عن جده ان محمد بن علی باقر العلم (علیه السلام) جمع ولده و فیهم عمهم زید بن علی، ثم اخرجنا کتابا الیهم بخط علی و املاء رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) مکتوب فیہ:

بسم الله الرحمن الرحيم

«هَذَا كِتَابٌ مِنْ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ نُورِهِ وَ سَفِيرِهِ وَ حَجَابِهِ وَ دَلِيلِهِ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»

«عَظَّمَ يَا مُحَمَّدُ أَسْمَائِي وَ أَشْكُرُ نِعْمَائِي وَ لَا تَجْحَدْ آلَائِي إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ وَ مُدِيلُ الْمُظْلُمِينَ وَ دَيَّانُ الدِّينِ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَمَنْ رَجَا غَيْرَ فَضْلِي أَوْ خَافَ غَيْرَ عَذْلِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا»

مَنْ الْعَالَمِينَ فَإِيَّايَ فَاعْبُدْ وَ عَلَيَّ فَتَوَكَّلْ إِنِّي لَمْ أَبْعَثْ نَبِيًّا فَأَكْمَلْتُ أَيَّامَهُ وَ انْقَضَتْ مُدَّتُهُ إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ وَصِيًّا وَ إِنِّي فَصَّلْتُكَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَ فَصَّلْتُ وَصِيَّكَ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَ أَكْرَمْتُكَ بِشَبْلَيْكَ وَ سَبْطَيْكَ حَسَنٍ وَ حُسَيْنٍ فَجَعَلْتُ حَسَنًا مَعْدِنَ عِلْمِي-بَعْدَ انْقِضَاءِ مُدَّةِ أَبِيهِ وَ جَعَلْتُ حُسَيْنًا حَارِنَ وَحْيِي وَ أَكْرَمْتُهُ بِالشَّهَادَةِ وَ خَتَمْتُ لَهُ بِالسَّعَادَةِ فَهُوَ أَفْضَلُ مَنْ اسْتَشْهِدَ وَ أَرْفَعُ الشُّهَدَاءَ دَرَجَةً جَعَلْتُ كَلِمَتِي الثَّامَّةَ مَعَهُ وَ حُجَّتِي الْبَالِغَةَ عِنْدَهُ بِعِثْرَتِهِ أَثِيْبٌ وَ أَغَاقِبُ أَوْلَهُمْ عَلَيَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ وَ زَيْنُ أَوْلِيَائِي الْمَاضِينَ وَ ابْنُهُ شَبُهْ جَدِّهِ الْمَحْمُودِ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ عِلْمِي وَ الْمَعْدِنُ لِحِكْمَتِي سَيِّهْلُكَ الْمُرْتَابُونَ فِي جَعْفَرٍ الرَّادِّ عَلَيْهِ كَالرَّادِّ عَلَى حَقِّ الْقَوْلِ مِنِّي لِأَكْرِمَنَّ مَثْوَى جَعْفَرٍ وَ لَأَسْرَتُهُ فِي أَشْيَاعِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ أُتِيحَتْ بَعْدَهُ مُوسَى فِتْنَةً عَمِيَاءَ حَنْدَسٍ- لِأَنَّ حَيْطَ فَرَضِي لَا يَنْقَطِعُ وَ حُجَّتِي لَا تَحْفَى وَ أَنَّ أَوْلِيَائِي يُسْقَوْنَ بِالْكَأْسِ الْأَوْفَى مَنْ جَحَدَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ جَحَدَ نِعْمَتِي وَ مَنْ غَيَّرَ آيَةً مِنْ كِتَابِي فَقَدْ افْتَرَى عَلَى وَيْلٌ لِلْمُفْتَرِينَ الْجَا حِدِينَ عِنْدَ انْقِضَاءِ مُدَّةِ مُوسَى عَبْدِي وَ حَبِيبِي وَ خَيْرَتِي فِي عَلَيٍّ وَلِيِّي وَ نَاصِرِي وَ مَنْ أَضْعُ عَلَيْهِ أَعْبَاءَ الثُّبُوءِ وَ أَمْتَحِنُهُ بِالْأُضْطِلَاحِ بِهَا يَقْتُلُهُ عَفْرِيْتُ مُسْتَكْبِرٌ يُدْفَنُ فِي الْمَدِينَةِ الَّتِي بَنَاهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ- إِلَى جَنْبِ شَرِّ خَلْقِي حَقِّ الْقَوْلِ مِنِّي لِأَسْرَتُهُ بِمُحَمَّدٍ ابْنِهِ وَ خَلِيفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ وَارِثِ عِلْمِهِ فَهُوَ مَعْدِنُ عِلْمِي وَ مَوْضِعُ سِرِّي وَ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ بِهِ إِلَّا جَعَلْتُ الْجَنَّةَ مَثْوَاهُ وَ شَفَعْتُهُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كُلُّهُمْ قَدْ اسْتَوْجَبُوا النَّارَ وَ أَخْتِمُ بِالسَّعَادَةِ لِابْنِهِ عَلَيٍّ وَلِيِّي وَ نَاصِرِي وَ الشَّاهِدِ فِي خَلْقِي وَ أَمِينِي عَلَى وَحْيِي أَخْرَجُ مِنْهُ الدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِي وَ الْخَازِنَ لِعِلْمِي الْحَسَنَ وَ أَكْمِلُ ذَلِكَ بِابْنِهِ مُحَمَّدٍ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوبَ فَيَذُلُّ أَوْلِيَائِي فِي زَمَانِهِ وَ تُتَّهَادَى رُءُوسُهُمْ كَمَا تُتَّهَادَى رُءُوسُ الثُّرَكَ وَ الدَّيْلَمُ فَيُفْتَنُونَ وَ يُحْرَقُونَ وَ يَكُونُونَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ وَ جِلِينَ تُصْبَغُ الْأَرْضُ بِدِمَائِهِمْ وَ يَفْشُو الْوَيْلُ وَ الرِّثَّةُ فِي نِسَائِهِمْ أُولَئِكَ أَوْلِيَائِي حَقًّا بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءَ حَنْدَسٍ وَ بِهِمْ أَكْشِفُ الزَّلَازِلَ وَ أَدْفَعُ الْأَصَارَ وَ الْأَغْلَالَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ.»

ثم قال في آخره: قال عبدالعظيم: «العجب كل العجب لمحمد بن جعفر وخروجه اذ سمع اياه (عليه السلام) يقول هكذا ويحكيه.»

ثم قال: «هذا سر الله ودينه ودين ملائكته؛ فصنه الا اهله واوليائه» (33)

3 - عبدالله بن محمد بن جعفر از پدرش و او از جدش روایت کرده که حضرت باقر (علیه السلام) فرزندان خود را پیرامونش جمع نمود و در میان آنها عم آن حضرت زید بن علی هم بود، پس از آن حضرت باقر (علیه السلام) کتابی را بیرون آورد که بخط امیرالمؤمنین (علیه السلام) و املاء حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) بود، و در آن کتاب مطالب ذیل نوشته شده بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

این کتابی است از خداوند توانا و درستکار بسوی محمد که نور او و سفیر او و حجاب او و رهنمای اوست، این نامه را جبرئیل امین از نزد خداوند جهانیان فرود آورده.

ای محمد! نامهای مرا بزرگ بشمار و از نعمتهای من سپاسگزاری کن، منم خدایی که جز من معبودی نیست، شکننده ی شت ستمگران و عزت دهنده ی ستمدیدگان، و قاضی و حاکم روز رستاخیز. منم خداوندی که جز من معبودی نیست، هر کس غیر از احسان من از دیگری امیدوار باشد، و یا غیر از عدل من از دیگری بترسد او را عذابی دهم که احدی را مانند آن عذاب نکرده باشم اکنون مرا عبادت کن و بر من توکل نما.

پیغمبری را مبعوث نمی کنم مگر اینکه در هنگام انقضای زمان او برایش وصیی قرار می دهم، و من تو را بر همه پیغمبران برتری دادم و وصیت را نیز بر سایر اوصیاء برگزیدم، و تو را گرامی داشتم به دو فرزندت حسن و حسین

که دو شیر بچه اند، حسن را بعد از گذشتن زمان پدرش معدن علم خود قرار دادم، و حسین را گنجور وحی خویش ساختم و او را به شهادت گرامی داشتم، و عاقبت کار او را به سعادت ختم نمودم، او افضل شهداء است و بلندترین مقام را در میان آنها دارد، کلمه ی تامه و حجت بالغه خود را در نزد او گذاشتم، بوسیله عترت او جزا می دهم و عقاب می کنم اولین آن عترت «علی» است که پیشوای عبادت کنندگان و زینت دوستان گذاشته ام هست، و فرزندش «محمد» که همانم جدش می باشد شکافنده ی علم و معدن حکمت من است، زود است که مردم درباره ی «جعفر» به شک افتند و هلاک گردند، کسی که وی را تکذیب کند گویا مرا تکذیب کرده است، و من جایگاه جعفر را گرامی خواهم داشت، و او را بوسیله شیعیان و دوتسان و پیروانش خوشنود خواهم ساخت.

پس از وی به «موسی» فتنه ی تاریک و ظلمانی نازل خواهد شد، رشته تقدیراتم بریده نمی شود و برهانم پنهان نمی ماند و دوستانم از جام پری سیراب می گردند، هر کس یکی از آنها را انکار نماید به نعمت من ناسپاسی کرده، هر که آیه ای از کتاب مرا جا به جا کند بر من دروغ بسته، وای بر مفتترین و منکرین. در این هنگام که زمان «موسی» نقضی شود، بنده و دوست و برگزیده ام «علی» که ولی و یاری کننده ی من است خواهد آمد، کسی که سنگینی های نبوت را بر دوش او می گذارم و او را به قوت و نیرو در حمل اعباء رسالت آزمایش می کنم، او را دیوی سرکش و خودپرست خواهد کشت، و در شهری که بنای آن بدست بنده صالح گذاشته شده در نزد بدترین مخلوقات من دفع خواهد گردید.

گفتم ثابت است او را بوسیله فرزندش «محمد» که جانشین و وارث علم و دانش اوست مسرور خواهم ساخت، او معدن علم و محل اسرار و بر مخلوقاتم حجت است، هیچ بنده ای به او ایمان نیاورد مگر اینکه بهشت را جایگاه او قرار خواهم داد، و او را در هفتاد نفر از خویشاوندانش که آتش جهنم بر آنها لازم شده باشد شفیع خواهم ساخت.

فرند او «علی» را که دوست و یاری کننده من است عاقبت کارش را به سعادت و خوشبختی پایان می دهم و او را گواه در میان مردمان و امین در وحی خود قرار خواهم داد و از وی دعوت کننده به طریقم و خازن علم خود «حسن» را بیرون خواهم آورد، و او را به فرزندش «م ح م د» که وسیله آمرزش برای جهانیان است تکمیل خواهم نمود.

در این فرزند کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب نهفته است، در زمان او دوستانم خوار خواهند شد و سرهای آنها را به یکدیگر هدیه خواهند داد همان طور که سرهای ترک و دیلم را به هم هدیه می دادند، اینان کشته می شوند و سوخته می گردند، آنان همواره ترسان، مرعوب و اندیشه مند هستند، زمین به خون اینها رنگین می شود، فریاد و ناله و بانک و شیون از زنان آنها بلند است، و اینها از دوستان واقعی من هستند، بوسیله این ها هر فتنه تاریک و ظلمانی را دفع خواهم ساخت، و به خاطر اینها زلزله ها را برطرف می کنم و سختی ها و ظلم ها را بر می دارم، این دسته از مردم مشمول رحمت خداوند بوده و صلوات او شامل حال آنها می باشد و اینان هدایت شده هستند.

در پایان حدیث عبدالعظیم فرمود: از محمد بن جعفر تعجب است پس از اینکه این حدیث را از پدرش شنید و آن را از برای مردم بازگو کرد، به گفتار او توجهی نکرد و خروج نمود، این از اسرار پروردگار است، او را از نا اهلان نگه دارید.

عرض دين بر معصوم

حدثنا علي بن احمد بن موسى الدقان (رضى عنه الله) وعلى بن عبدالله الوراق جميعا قالا: حدثنا محمد بن هارون الصوفي قال: حدثنا ابو تراب عبيدالله بن موسى الروياني، عن عبدالعظيم ابن عبدالله الحسنی قال: دخلت على سيدي علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب (عليهم السلام) فلما بصر بي قال لي: «مَرْحَباً بِكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ! أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقًّا.» قال: فقلت له: «يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ! إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَعْرِضَ عَلَيْكَ دِينِي، فَإِنْ كَانَ مَرْضِيًّا ثَبَّتْ عَلَيْهِ حَتَّى أَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.»

فقال: «هَاتِ يَا أَبَا الْقَاسِمِ!»

فقلت: «إِنِّي أَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَاحِدٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، خَارِجٌ مِنَ الْحَدِّينَ: حَدُّ الْإِبْطَالِ وَ حَدُّ التَّشْبِيهِ، وَ أَنَّهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ وَ لَا صَوْرَةٍ، وَ لَا عَرَضٍ وَ لَا جَوْهَرٍ، بَلْ هُوَ مُجَسَّمُ الْأَجْسَامِ، وَ مُصَوَّرُ الصُّوَرِ، وَ خَالِقُ الْأَعْرَاضِ وَ الْجَوَاهِرِ، وَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَالِكُهُ وَ خَالِقُهُ، وَ جَاعِلُهُ وَ مُحَدِّثُهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، خَاتَمُ النَّبِيِّينَ، فَلَا نَبِيَّ بَعْدَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ أَنَّ شَرِيعَتَهُ خَاتِمَةُ الشَّرَائِعِ، فَلَا شَرِيعَةَ بَعْدَهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ أَقُولُ: إِنَّ الْإِمَامَ وَ الْخَلِيفَةَ وَ وَلِيَّ الْأَمْرِ بَعْدَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ الْحَسَنُ، ثُمَّ الْحُسَيْنُ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ثُمَّ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ.»

فقال علي (عليه السلام): «وَمِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي، فَكَيْفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ؟»

قال: «وَكَيْفَ ذَاكَ يَا مَوْلَايَ؟»

قال: «لِأَنَّهُ لَا يُرَى شَخْصُهُ، وَ لَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى يَخْرُجَ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.» قال: فقلت: «أَقَرَرْتُ» واقول: «إِنَّ وَلِيِّهُمْ وَلِيُّ اللَّهِ، وَ عَدُوُّهُمْ عَدُوُّ اللَّهِ، وَ طَاعَتُهُمْ طَاعَةُ اللَّهِ، وَ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَةُ اللَّهِ.» اقول: «إِنَّ الْمِعْرَاجَ حَقٌّ، وَ الْمَسْأَلَةَ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ، وَ إِنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَ النَّارَ حَقٌّ، وَ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَ إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ.» واقول: «إِنَّ الْفَرَائِضَ الْوَاجِبَةَ بَعْدَ الْوَلَايَةِ: الصَّلَاةُ، وَ الزَّكَاةُ، وَ الصَّوْمُ، وَ الْحَجُّ، وَ الْجِهَادُ، وَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ.»

فقال علي بن محمد (عليه السلام): «يَا أَبَا الْقَاسِمِ! هَذَا وَ اللَّهُ دِينُ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِعِبَادِهِ، فَاتَّبِعْ عَلَيْهِ، تَتَبَتَّكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ.» (34).

عبدالعظيم حسنى فرمود: بر آقا و مولای خود علی بن محمد (علیهما السلام) وارد شدم، چون نظر آن حضرت بر من افتاد، فرمود: مرحبا ای ابوالقاسم! تو حقا از دوستان ما هستی.

عبدالعظیم گفت: عرض کردم: ای پسر پیغمبر! میل دارم عقائد دینی خود را بر شما عرضه بدارم، اگر مورد پسند باشد بر او ایت باشم تا به لقای خداوند برسم.

امام (علیه السلام) فرمود: عقائد خود را اظهار نما.

گفت: عرض کردم: من معتقدم خدا یکی است و مانند او چیزی نیست، و از دو حد ابطال و تشبیه بیرون است، خداوند جسم و صورت و عرض و جوهر نیست، بلکه پروردگار اجسام را جسمیت داده و صورت ها را تصویر فرموده، و اعراض و جواهر را آفریده است، او خداوند همه چیز و مالک و محدث اشیاء است. عقیده دارم محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بنده و فرستاده ی او خاتم پیغمبران است، و پس از وی تا روز قیامت پیغمبری

نخواهد بود، شریعت وی آخرین شرایع بوده و پس از او دینی و مذهبی نخواهد آمد. عقیده ی من درباره ی امامت این است که امام بعد از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (صلی الله علیه و آله وسلم) است، بعد از او حسن، پس از وی حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی (علیهم السلام)، بعد از اینها امام مفترض الطاعه شما هستید.

در این هنگام حضرت هادی (علیه السلام) فرمود: پس از من فرزندانم حسن امام است لیکن مردم درباره ی امام بعد از او چه خواهند کرد؟

گوید: عرض کردم: ای مولای من! مگر جریان زندگی امام بعد از او از چه قرار است؟
فرمود: امام بعد از فرزندانم حسن شخصش دیده نمی شود و اسمش در زبانها جایز نیست تا آن گاه که از پس پرده غیب بیرون شود و زمین را از عدل و داد پر نماید، همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد.
عبدالعظیم گفت: عرض کردم: به این امام غائب هم معتقد شدم و اکنون می گویم: دوست آنان دوست خدا، و دشمن ایشان دشمنان خدا هستند. طاعت آنان طاعت پروردگار و معصیت و نافرمانی از آنها موجب معصیت اوست. من عقیده دارم که معراج و پرسش در قبر و هم چنین بهشت و دوزخ و صراط و میزان حقند، و روز قیامت خواهد آمد و در وجود آن شکی نیست، و خداوند همه ی مردگان را زنده خواهد کرد، و نیز عقیده دارم که واجبات بعد از اعتقاد به ولایت و امامت عبارت اند از: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر.
در این هنگام حضرت هادی (علیه السلام) فرمود: ای ابوالقاسم! به خدا سوگند این معتقدات شما دین خداست که برای بندگانش برگزیده، بر این عقیده ثابت باش خداوند تو را به همین طریق در زندگی دنیا و آخرت پایدار بدارد.

ویژگی انتظار

5. «الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَلَوِيُّ عَنْ سَهْلِ بْنِ جَمْهُورٍ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَرَنِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: مَا صَرَّ مِنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِأَمْرِنَا إِلَّا يَمُوتُ فِي وَسْطِ فُسْطَاطِ الْمَهْدِيِّ وَعَسْكَرِهِ» (35).

علی بن هاشم از پدرش از حضرت باقر (علیه السلام) روایت کرده که آن جناب فرمود: کسی که در انتظار «امر» ما باشد زبانی به او نخواهد رسید، و این شخص مانند این است که در وسط خیمه ی حضرت مهدی و در میان لشکر آن جناب مرده باشد.

شرایط غیبت

6. حدثنا محمد بن احمد الشيباني (رضی الله عنه)، عن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) عن ابيه عن آباءه عن اميرالمؤمنين (علیهم السلام) قال: «لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَةٌ أَمَدُهَا طَوِيلٌ كَأَنِّي بِالشَّيْبَةِ يَجُولُونَ جَوْلَانِ النَّعَمِ فِي غَيْبَتِهِ يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ إِلَّا فَمَنْ ثَبَّتَ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ وَ لَمْ يَقْسُ قَلْبُهُ لَطُولَ أَمَدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»
ثم قال (عليه السلام): «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تَخْفَى وَلَادَتُهُ وَ يَغِيبُ شَخْصُهُ.» (36)

عبدالعظيم حسنی از حضرت جواد (علیه السلام) و او از آباء گرامش از امیرالمؤمنین روایت نموده که آن بزرگوار فرمود: برای قائم ما غیبتی است که زمان آن بطول خواهد انجامید، من شیعیان را می بینم در غیبت او مانند گوسفندان که در جستجوی چرا گاه این طرف و آن طرف می روند سرگردان خواهند شد، و هرگز بوجود شریف آن حضرت راه پیدا نخواهند کرد. اکنون متوجه باشید هر کس از شیعیان ما در زمان غیبت بر دین و عقیده ی خود ثابت بماند، و دلش از طول غیبت خسته نگردد، وی در روز قیامت در نزد خودم قرار خواهد گرفت.
بعد از آن حضرت فرمود: «قائم ما هر گاه قیام نماید تحت تبعیت احدی نخواهد بود، و برای این است که ولادت او از مردم مخفی می ماند، و وجود مقدسش از انظار غایب می گردد.»

منتظران، بهترین اهل زمان

7. حدثنا علی بن عبدالله الوراق قال: حدثنا محمد بن هارون الصوفي، عن عبدالله بن موسى، عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسنی (رضی الله عنه) قال: حدثني صفوان بن يحيى، عن ابراهيم بن ابي زياد، عن ابي حمزة الثمالي، عن ابي خالد الكابلي قال: دخلت على سیدی علی بن الحسین زین العابدین (علیهما السلام) فقلت له: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخْبِرْنِي بِالَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ وَ مَوَدَّتَهُمْ وَ أُوجِبَ عَلَى عِبَادِهِ الْإِقْتِدَاءُ بِهِمْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)».

فقال لي: «يا كابلي! ان اولى الامر الذين جعلهم الله عزوجل ائمة للناس و اوجب عليهم طاعتهم: اميرالمؤمنين علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ثم الحسن، ثم الحسين ابنا علی بن ابی طالب. ثم انتهى الامر الينا، ثم سكت.»
فقلت له: «سیدی! روى لنا عن اميرالمؤمنين (علی) (علیه السلام) ان الارض لاتخلو من حجة لله عزوجل علی عبادہ، فمن الحجة و الامام بعدک؟»

قال: «ابنی جعفر، واسمه فی التوراة باقر؛ یبقر العلم بقرا، هو الحجة والامام بعدی، و من بعد محمد ابنه جعفر، واسمه عند اهل السماء الصادق.»

فقلت له: «يا سیدی! فقلت فكيف صار اسمه الصادق و کلکم صادقون؟»

قال: حدثني ابي ابيه (علیهما السلام) ان رسول الله (علیه السلام) قال: «إذا ولد ابني جعفر بن محمد علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) فسموه الصادق؛ فان للخامس بن ولده ولدا اسمه جعفر يدعى

الامامة اجترأ على الله و كذبا عليه فهو عند الله جعفر الكذاب المفتري على الله عزوجل، والمدعى لما ليس له باهل، المخاف على ابيه والحاسد لاختيه، ذلك الذى يروم كشف ستر الله عند غيبة ولى الله عزوجل.»
ثم بكى على بن الحسين (عليه السلام) بكاء شديدا ثم قال: «كانى بجعفر الكذاب وقد حمل طاغية زمانه على تفتيش امر ولى الله، والمغيب فى حفظ الله والتوكيل بحرم ابيه جهلا منه بولادته، وحرصا منه على قتله ان ظفر به (و) صمعا فى ميراثه حتى ياخذ به غير حقه.»

قال ابو خالد: فقلت له: «يابن رسول الله! وان ذلك لكائن؟»
فقال: «اى و ربي ان ذلك لمكتوب عندنا فى الصحيفة التى فيها ذكر المحن التى تجرى علينا بعد رسول الله (صلى الله عليه و آله وسلم).»

قال ابو خالد: فقلت: «يابن رسول الله! ثم يكون ماذا؟»
قال: «ثم تمتد الغيبة بولى الله عزوجل الثانى عشر من اوصياء رسول الله (صلى الله عليه و آله وسلم) والائمة بعده.»

«يا ابا خالد! ان اهل زمان غيبته القائلين بامامته والمنتظرين لظهوره افضل من اهل كل زمان؛ لان الله تبارك و تعالى اعطاهم من العقول و الافهام والمعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة، وجعلهم فى ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدى رسول الله (صلى الله عليه و آله وسلم) بالسيف، اولئك المخلصون حقا وشيعتنا صدقا، والدعاة الى دين الله عزوجل سرا وجهرا.»

و قال على بن الحسين (عليه السلام): «**اَنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ اَعْظَمِ الْفَرَجِ**» (37).

ابو خالد كابلى گوید: بر سید خود علی بن الحسین (علیه السلام) وارد شدم و به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند پیغمبر! از کسانی که خواند اطلاعت از آنها را پس از پیغمبر واجب نموده و بندگان خود را به اقتدای آنان ملزم ساخته است مرا آگاه نما.

حضرت فرمود: ای کابلی! اولوالامری که پروردگار آنها را برای مردم پیشوا قرار داده و اطلاعت ایشان را واجب نموده است، اولین آنها امیرالمؤمنین (علیه السلام) و بعد از وی دو فرزندش حسن و حسین (علیهم السلام) هستند، پس از این دو نفر مقام آنان به ما رسیده، پس حضرت ساکت شدند.

ابو خالد گوید: عرض کردم: ای سرور من! برای ما روایت کرده اند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: زمین هیچگاه از جت خدا خالی نمی ماند پس حجت و امام بعد از تو کیست؟

حضرت فرمود: فرزند من محمد که نام او در تورات باقر است؛ زیرا که علم را از هم خواهد شکافت و حقائق آن را برای مردم بازگو خواهد کرد او امام و حجت بعد از من است، پس از وی فرزندش «جعفر» حجت و امام است و نام او در نزد اهل آسمان «صادق» است.

راوی گوید: عرض کردم: ای سید من! چگونه وی را «صادق» نامیده اند در حالی که شما اهل بیت همه صادق و راستگو هستید؟

حضرت فرمود: پدرم از پدرش روایت کرده که حضرت رسول (صلى الله عليه و آله وسلم) فرمود: هر گاه فرزندم جعفر بن محمد متولد شد او را صادق نام بگذارید؛ زیرا که پنجمین فرزند او که جعفر نام خواهد داشت مدعی مقام امامت خواهد شد، وی دز نزد پروردگار کذاب و مفتري محسوب است و مدعی مقامی است که اهل بیت آن را ندارد، او با پدرش مخالفت می نماید و به برادرش حسد می ورزد، او در هنگامی که ولی خدا غایب است قصد افشای اسرار پروردگار را خواهد کرد.

پس از این حضرت سجاد (علیه السلام) گریه زیادی نموده و فرمود: گویا می بینم جعفر کذاب را در حلیکه طاغیه ی زمان خود را در جستجوی امر ولی خدا راهنمایی می کند، و حلا اینکه ولی پروردگار در محافظت خداوند قرار گرفته و وکاتل حرم پدرش بعهده ی وی نهاده شده، جعفر کذاب از روی جهلی که به ولادت ولی عصر دارد حریص است که آن حضرت را بعد از ولادت بقتل برساند برای اینکه به میراث پدرش دست پیدا کند و ارث او را بدون استحقاق دریافت نماید.

ابو خالد گوید: عرض کردم: ای پسر رسول خدا! این اموری که فرمودید انجام خواهد گرفت؟ حضرت فرمود: آری به پروردگارم سوگند این مطالب در صحیفه ای که نزد ما موجود است نوشته شده، و در آن صحیفه تمام سختیها و پیش آمدهایی که برای ما پیش آمد خواهد کرد مضبوط است.

ابو خالد گوید: عرض کردم: پس از آن چه خواهد شد؟ حضرت فرمود: پس از آن غیبت ولی خدا و دوازدهمین وصی حضرت رسول و ائمه (علیهم السلام) به درازا خواهد کشید.

فرمود: ای ابو خالد! مردمان زمان غیبت که به امامت او معتقد گردند و منتظر ظهور او باشند بهترین مردمان هستند؛ زیرا خداوند به اندازه ای به آنان فهم و خرد و شناخت مرحمت فرموده که غیبت در نزد آنها بمنزله مشاهده، و مدرم آن زمان مانند کسانی که در پیشاپیش مقابل حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) به جهاد پرداخته باشند محسوب خواهند شد، آنها حقا بندگان خالط و شیعیان راستگو هستند، و آنانند که مردم را بسوی دین خدا در آشکار و پنهان دعوت می کنند. و در پایان حدیث حضرت فرمود: انتظار فرج از بهترین اعمال است.

ویژگی های مهدی (علیه السلام)

8. حدثنا علی بن احمد بن موسی الدقاق (رضی الله عنه) قال: حدثنا محمد بن هارون الصوفی قال: حدثنا ابو تراب عبدالله بن موسی الرویانی قال: حدثنا عبدالعظیم ابی عبدالله بن علی بن الحسین بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) {الحسنی}

قال: «دخلت علی سیدی محمد بن علی موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین ابن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) وانا ارید ان اساله عن القائم اهو المهدی او غیره، فابتد انی» فقال لی: «يَا أَبَا الْقَاسِمِ إِنَّ الْقَائِمَ مِمَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِي وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلی الله علیه و آله وسلم) بِالنَّبُوَّةِ وَ خَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ إِنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْنَا جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيُصْلِحْ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى (علیه السلام) إِذْ ذَهَبَ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ وَ هُوَ رَسُولُ نَبِيِّ.»

ثم قال (علیه السلام): «أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (38)

عبدالعظیم حسین گفت: بر ابوجعفر محمد بن علی (علیهما السلام) وارد شدم و قصد داشتم که از آن حضرت راجع به «قائم» که آیا مهدی همان است پرسش نمایم. قبل از این که من موضع سؤال را مطرح کنم، آن بزرگوار

خود آغاز سخن فرمود، گفت: این ابوالقاسم! بدرستی که قائم از خاندان ما همان «مهدی» است که واجب است انتظار او کشیده شود در غیبتش، و اطاعت گردد در ظهورش، وی سومین فرزند از اولاد من است. سوگند به خدایی که محمد را براستی برانگیخت، و ما را به امامت مخصوص گردانید اگر از دنیا نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را چنان طول خواهد داد که تا مهدی از پشت پرده ی غیبت بیرون گردد، و زمین را از عدل و داد پر نماید همان طور که از جور و ستم پر شده باشد، خداوند امور ولی عصر را در یک شب اصلاح خواهد نمود، به همان روشی که امر موسی بن عمران را در هنگامی که رفت از کوه آتش بیاورد اصلاح فرمود و او را به اهلش برگردانید در حالیکه پیغمبر بود. و در پایان حدیث حضرت فرمود: بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.

نتیجه

- از روایت نقل شده از طریق عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) در باره امام عصر (علیه السلام) می توان به نتایج و تعالیم زیر دست پیدا کرد:
1. امام زمان (علیه السلام) سومین فرزند امام محمدتقی (علیه السلام) و همنام و هم کنیه با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است.
 2. امام عصر (علیه السلام)، پس از آنکه جهان سرشار از ظلم و ستم شده است، آن را از عدل و داد آکنده می کند.
 3. تعداد یاران اولیه او در ابتدا 313 نفر و به تعداد نفرات لشکر اسلام در جنگ بدر است و پس از آن با سپاهی که ده هزار نفر می باشند به فرمان الهی قیام می کند.
 4. بیعت هیچ کسی در گردن او نیست.
 5. از دشمنان خدا، آنقدر می کشد تا خداوند خشنود گردد.
 6. خداوند کار او را در یک شب اصلاح می کند، چنانکه مشکل موسی کلیم را در یک شب اصلاح کرد.
 7. بهترین اعمال شیعیان، انتظار فرج است و بهترین افراد منتظران ظهور اویند.
- فیارب عجل فی ظهور امامنا
فهذا دعاء للبرية شامل.

پی نوشت ها:

- (1) جنة النعیم والعیش السلیم، المولی باقر بن اسماعیل المازندرانی (م 1313 هـ. ق) ص 444 چاپ سنگی تهران.
- (2) جنة النعیم، ص 402.
- (3) الذریعة، ذیل عنوان خطیب امیرالمؤمنین (علیه السلام).

- (4) من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 80.
- (5) روضات الجنات، محمداً باقر الخوانساری، ج 4، ص 210.
- (6) قاموس الرجال، التستری، ج 5، ص 374.
- (7) معجم رجال الحديث، ج 10، ص 49.
- (8) رسالة صاحب بن عباد به نقل ری باستان، حسین کریمان، ج 1، ص 356؛ روضات، ج 4، ص 208 حضرت آية الله خویی نوشته اند این روایت لااقل از جهت مرسل بودن ضعیف است (معجم رجال الحديث، ج 10، ص 49).
- (9) توحید، ص 81 - 82، روضات، ج 4، ص 207 و 208.
- (10) ترتیب قرن بر حسب درگذشت نویسنده است.
- (11) ریحانة الادب، محمدعلی مدرس تبریزی.
- (12) جنة النعیم.
- (13) روضات، ج 4، ص 208.
- (14) سرالانساب، ص 10، به نقل ری باستان، ج 1، ص 389.
- (15) رجال نجاشی، چاپ سنگی، تهران، 1317 ه. ق.
- (16) جنة النعیم، ص 471.
- (17) منتقلة الطالبیة، نسخه عکسی کتابخانه لغت نامه دهخدا.
- (18) امام فخر رازی (م 606 ه) از دانشمندان اهل سنت است.
- (19) الشجرة المباركة، ص 64، منشورات کتابخانه آية الله مرعشی.
- (20) جنة النعیم، ص 401.
- (21) کتاب الرجال، چاپ مرحوم محدث، ص 226.
- (22) روضات، ج 4، ص 210.
- (23) عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص 75.
- (24) الفصول الفخریة، چاپ مرحوم محدث، ص 107.
- (25) روضات، ج 4، ص 209 و آن از ارواشح.
- (26) مستدرک الوسائل، ج 10، ص 367.
- (27) وسائل، چاپ دار احیاء التراث، ج 20، ص 228 - 229.
- (28) جامع الرواة، الاردبیلی، ص 460.
- (29) شعب المقال، النراقی، ص 70 - 71 ر. ک: مقاله «عظمت شخصیت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)»، سید جعفر شهیدی، مجله علوم حدیث، ش 1.
- (30) البقرة/148.
- (31) کمال الدین 1/36؛ الاحتجاج 2/249.
- (32) معانی الاخبار ص 139، باب معنی الرجیم.
- (33) کمال الدین، ب 28، ح 3.
- (34) الامالی للصدوق 419؛ روضة الواعظین 31؛ کفایة الاثر 286.
- (35) الکافی 1/372.

36) كمال الدين، ج 1، ص 303.

37) كمال الدين و تمام النعمة 319.

38) كمال الدين، ص 377.

نشریه انتظار، بهار 1382، شماره 7